

«سلام ما بر آن قد خمیده که نمی‌دانم نامش چیست و خود می‌گوید نامش آزادی است». این جملاتی است که حسن روحانی، فروردین‌ماه سال ۹۲ و در مراسم اعلام کاندیداتوری خود به زبان آورد؛ مراسمی که روحانی در آن تأکید کرد: «اگر بار اجرایی را مردم برعهده من بگذارند، منشور حقوق شهروندی را تدوین خواهیم کرد. در منشور حقوق شهروندی تمام مردم احساس برابری خواهند کرد. زنده‌باد اخلاق، حقوق شهروندی، اعتدال، تدبیر و امید. زنده‌باد اسلام و زنده‌باد ایران». اینها جملاتی است که خروجی‌اش در دوران ریاست‌جمهوری روحانی، عبارت بود از تدوین منشور حقوق شهروندی، انتخاب دستیار ویژه در امور اقوام و اقلیت‌ها و البته برخی اقدامات مثبت در حوزه معاونت زنان. در رابطه با ارزیابی عملکرد دولت روحانی در این حوزه، سؤالات خود را با عمادالدین باقی، در میان گذاشتیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، پاسخ‌های باقی، به سؤالات «شرق» در این حوزه است.

■ وقتی دولت آقای روحانی روی کار آمد، در زمینه حقوق شهروندی مهم‌ترین حوزه‌هایی که نیاز به ورود و نقش‌آفرینی دولت داشت، کدام حوزه‌ها بود؟

موضوعات و مسائل فراوانی در زمینه کاهش درآمد مردم، افزایش فقر و بیکاری، جرم و جنایت، مشکلات زندان‌ها و زندانیان، امنیت مطبوعات، به‌تعطیلی‌کشیده‌شدن نهادهای مدنی و توقف روند رشد آنها که آفتی برای کشور دارد، مسائل دانشجویی و دانشگاهی مانند تعطیلی انجمن‌ها و بازنشسته‌کردن اجباری استادان و تزییق افراد ناتوان به هیات‌های علمی و ستاره‌دارکردن دانشجویان و تعطیلی کرسی‌های آزاداندیشی و ده‌ها مسئله دیگر مرتبط با حقوق شهروندی و بشر وجود داشت ولی عملا امکان ورود هم‌زمان به همه آنها وجود نداشته است. از طرفی دولت مهم‌ترین وعده و مأموریت خود را رفع تحریم تعریف کرده بود.

■ دولت در این زمینه‌ها چه کرده است؟

به‌نظر می‌رسد دولت تمرکز بر رفع تحریم‌ها را در دستور کار دارد زیرا تحریم‌ها منشأ مشکلات اقتصادی شده و فقر و بیکاری که از مصادیق و عوامل مشکلات حقوق‌بشری است را پدید آورده‌اند بنابراین دولت پرداختن مستقیم‌تر به موضوعات حقوق‌بشری و شهروندی را به فازهای بعدی سپرده است، اما در همین دوران هم می‌توان از انجام اقداماتی مغایر با انتظار جامعه در این زمینه‌ها خودداری کرد؛ مثلا مسئولان دولتی که می‌دانند در دیدارهای دیپلماتیک و در مصاحبه رسانه‌های خارجی مسئله حقوق‌بشری یکی از مواردی است که به مطرح خواهد شد و پیش‌بینی آن نیاز به هوش‌چندانی ندارد، باید از پیش پاسخ‌های منطقی‌تر و دقیق‌تری را مهیا کنند. اما تاکنون پاسخ‌های اعتراض‌برانگیزی داده‌اند که کاملا اجتناب‌پذیر بود. همین رخداد نشانه کم‌توجهی به اصل موضوع است.

واقعیت این است که امروز مهم‌ترین دغدغه توده مردم نیز وضع معیشتی‌شان است نه دل‌نگرانی‌های روشنفکرانه. فقر و بیکاری و رکود، فشارهای نفس‌گیری را وارد می‌کند و جامعه را مستعد مشکلات کرده است. به‌جز مخالفان مذاکرات هسته‌ای، که در پوسته ضدیت با غرب و دفاع از ارزش‌ها هم‌سویی نهانی با مخالفان برون‌مرزی دارند، اساسا یکی از دلایل مخالفت با مذاکرات هسته‌ای در آمریکا، اروپا و اسرائیل نیز دقیقا همین است که می‌گویند با فشار تحریم‌ها حکومت ایران در آستانه بحران قرار گرفته است و با رفع تحریم‌ها زحمات چندساله‌شان برباد خواهد رفت و دوباره به ایران فرصت تجدید قوا می‌دهند ازهمین‌رو در معادلات سیاسی آنها خردشدن کرامت انسانی و شهروندان در اثر فقر و بیکاری و تلفت‌شان آنها به‌خاطر کمبود دارو و نداشتن هزینه درمان جایگاهی ندارد، اما با وجود همه این واقعیته‌ها به‌طورکلی رخدادهای مختلفی نشان می‌دهند دولت نیز در این زمینه کم‌کاری کرده است.

■ کار دو سال گذشته کدام یک از این حوزه‌ها مغفول مانده و چه کم‌توجهی‌هایی در زمینه حقوق شهروندی صورت گرفته است؟ و دولت چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

برخی موضوعات را به‌دلیل اینکه در حیطه اختیارات قوه قضائیه بود و دولت نمی‌توانست در آنها مداخله کند، مغفول گذاشتند و با آنچه در حیطه اختیار دولت بود، شروع کردند؛ یکی از نخستین اقدامات دولت روحانی، ارائه پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی بود. این کار نویدبخش آغاز اقداماتی بزرگ‌تر در این زمینه بود. منشور حقوق شهروندی که به‌عنوان طرحی خام برای نقد و بررسی در حوزه عمومی انتشار یافته بود، مدح و ذه‌ها و نقدهای فراوانی را برانگیخت و چون متن پیش‌نویس بود، اعلام شد با اخذ بازخوردها و نظرات

پاسخ‌های عمادالدین باقی به سؤالات «شرق» درباره عملکرد دولت روحانی در حوزه حقوق شهروندی:

حقوق شهروندی در دهلیز بوروکراسی اسیر نشود



صاحب‌نظران، بازنگری شود و به‌عنوان لایحاهی تقدیم مجلس شود، اما تاکنون هیچ خبری از اینکه منشور باشد‌ه در چه مرحله‌ای است، منتشر نشده و معلوم نیست چه زمانی به مجلس ارائه خواهد شد. یکی دیگر از نشانه‌های کم‌توجهی این است که باوجود اینکه قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه همه قوا را مکلف کرده است نهادهای مدنی را تقویت کنند و کارها را به سازمان‌های مردم‌نهاد واگذار کنند یا در امور مختلف آنها را مشارکت دهند، اما هنوز نگاه امنیتی در دولتمردان اجازه نداده است این امر تحقق یابد و حتی نشانه‌ای نمی‌بینیم که دستگاه‌های حکومتی و دولتی اتهامی و اولویتی برای تحقق این امر داشته باشند، البته از سال ۸۵ تاکنون، موضوع اصلاح قانون احزاب مطرح است که ضعیف‌تر و عقب‌تر از قانون قبلی است و وزارت کشور دولت آقای روحانی هم لایحه‌ای درباره قانون احزاب در دست داشت که هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است که به مجلس ارائه کرد. واقعیت این است که جامعه مدنی هم کم‌کارتر از دولت بوده، زیرا گفته‌اند این طرح را به احزاب و گروه‌ها سپرده‌اند تا نظرات‌شان را ارائه دهند، اما با گذشت مدتی طولانی دستور قابل‌ملاحظه‌ای نداشته‌اند؛ درعین‌حال وزارت کشور می‌توانست در زمینه سازمان‌های مردم‌نهاد، نشست‌هایی آسیب‌شناسانه و اقداماتی ترویجی و حمایتی، سامان دهد که چنین نکرد.

نمونه دیگر اینکه وقتی بهای بنزین یکنواخت شد و قیمت در هزار تومان تثبیت شد، انتقادهایی را از منظر اقتصادی برانگیخت. نمی‌توان ادعای را که بر زندگی مردم تأثیر دارد، بدون اطلاع‌رسانی و اقدام‌های توضیحی لازم انجام داد. این کار مغایر با حقوق شهروندی و احترام به حق دانستن شهروندان است. اگر تفکر شهروندمدار وجود داشته باشد دولت در زمینه حقوق شهروندی کارهای زیادی می‌تواند انجام دهد و حتی در بودجه‌نویسی هم سرایت می‌کند تا حقوق شهروندی بیشتر لحاظ شود.

■ می‌شود با ذکر مثالی عینی‌تر بگویید در بودجه‌نویسی چگونه می‌شود حقوق شهروندی را لحاظ کرد؟

برای مثال چنان‌که پیش‌تر هم گفته‌ام، ظاهرا به نظر می‌آید بستن بودجه، ارتباطی با حقوق شهروندی ندارد، درحالی‌که بودجه می‌تواند زمینه‌های نقض گسترده و سیستماتیک و به‌ظاهرموجه حقوق شهروندان را فراهم کند. برای مثال سال‌هاست در ایران موقع بستن بودجه یکی از منابع درآمد دولت، جریمه‌ها هستند. سهم درآمد دولت از جریمه‌ها در بودجه به‌خوبی این مسئله را نشان می‌دهد. براساس لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ پیش‌بینی شده است، راهنمایی و رانندگی کشور در سال آینده، هزارو ۶۲۰ میلیون تومان از محل جرائم رانندگی درآمد داشته باشد؛ رقمی نجومی که در مقایسه با سال ۱۳۸۹ (یعنی مقطعی که هنوز جریمه‌های رانندگی افزایش چشمگیری پیدا نکرده بود)، نشان می‌دهد درآم راهنمایی و رانندگی با افزایش ۳۰۰ درصدی (چهار برابر) و نسبت به سال جاری با افزایش ۸۰ درصدی مواجه شده

سیاست

پاسخ‌های عمادالدین باقی به سؤالات «شرق» درباره عملکرد دولت روحانی در حوزه حقوق شهروندی:

حقوق شهروندی در دهلیز بوروکراسی اسیر نشود

عملکرد این معاونت پیگیری‌کردن و واکنشش سریع‌داشتن درباره مسائل زنان است مثل پیگیری وضعیت زنان کارتن‌خواب یا واکنش سریع‌داشتن پس از انتشار اخباری درباره وضعیت زنان زندانی قرچک و بازدید از زندان از طریق استفاده از فرصت رایزنی و پیگیری حضور زنان در ورزشگاه‌ها یا وضعیت زنان بی‌سرپرست و اشتغال زنان. راه موفقیت‌شان این است که در دام کارهای نمایشی و تبلیغات نیفتند و وزن کارهای عملی و واقعی‌شان بیش از وزن کارهای تبلیغی باشد. **■ اختصاص دستیار ویژه در امور اقوام و اقلیت‌ها چه تأثیری در تأمین حقوق شهروندی این اقشار داشته است؟**

مسائل عملی اقلیت‌ها و اقوام، به سه نهاد امنیتی و قضائی و دولت مربوط می‌شود. بخشی از دستگاه امنیتی جزء دولت است و در بخش دیگر به گمان من، دستیار ویژه در امور اقلیت‌ها و اقوام باید پیش‌درآمد فعالیت‌های خود را با رایزنی با قوه قضائیه و سایر نهادهای امنیتی آغاز می‌کرد، راه رایزنی برای نهادهای مدنی چندان هموار نیست و برای مقامات و نهادهای دولتی هم رایزنی نه‌تنها عار نیست، بلکه الزامی است و اگر آنها هم چنین نکنند، یکی از ابزارهای مؤثر بهبود حقوق شهروندی و بشر از کار می‌افتد. معمولا در سازمان‌ها، افراد به سراخ آسان‌ترین و چشمگیرترین کارها یعنی اینکه راحت‌تر دیده شوند، می‌روند که برگزاری همایش و مصاحبه است در حالی که این اقدامات گرچه مفید هستند، اما اگر در قالب یک برنامه و طرح فنی و درازمدت انجام نگیرد، مانند برفی است که آب می‌شود و به جریان تبدیل نمی‌شود و مداومت و نهادهاسازی ندارد. با توجه به حجم عظیم کارهای حوزه اقوام و اقلیت‌ها و تهدیدها و فرصت‌ها، کارهای مفیدی صورت گرفته، اما خیلی کمتر از آن است که انتظار می‌رفت. این کار نیاز به مهندسی برای درازمدت دارد و لازمه موفقیتش، تکفیک آن از حوزه کنش‌ها و سیاست‌های حزبی و جناحی است.

■ فکر می‌کنید این معاونت‌ها چقدر می‌توانند در پیشبرد اهداف دولت مؤثر باشند؟

من اساسا معتمدم این معاونت‌ها باید کار «ستاد»ی کنند نه «صف». با وجود ارجمندی زحمات‌شان، اما درعین‌حال یک پرسش و هشدار برای معاونت امور زنان و اقوام و اقلیت‌ها لازم است و آن این است که آیا مأموریت خود را ایک کار اداری می‌دانند یا یک کار حقوق‌بشری؟ اگر یک کار اداری است، مانند آنچه در وزارت خارجه یا وزارت کشور می‌گذرد که هم اقتضات و نتایج کار آنها و هم انتظار ما از آنها متفاوت می‌شود، اما اگر به چشم یک کار حقوق‌بشری به آن نگاه می‌کنند، باید بدانند کار حقوق‌بشری نیاز به داشتن یک زیربنای نظری دارد و کنشگرانش باید ابتدا، عمیقا موضوع را بشناسند ولی در عمل، کار حقوق‌بشری یک کار میدانی است و نباید در دهلیز تجملات و بوروکراسی اسیر شود؛ به‌ویژه در جوامعی چون ایران که دستگاه به مجازاتی یک‌طرفه از شهروندان سلب می‌شود که از نظر قضائی صحیح نیست یا هزینه فرصت برای پیگیری شکایت آن‌قدر زیاد است که شهروندان را از آن منصرف می‌کند. این از نمونه‌های خاموش نقض گسترده و روزانه حقوق شهروندان است.

دولت می‌تواند به بودجه نهادهای مدنی توجه کند، بودجه برخی دستگاه‌های دولتی را که بیشتر مرتبط با حقوق شهروندان است افزایش دهد. درحالی‌که گاه به برخی نهادهای شبه‌دولتی بیشتر از نهادهایی مانند معاونت اقوام و اقلیت‌ها، زنان و … که با حقوق شهروندان ارتباط دارد بودجه اختصاص داده می‌شود. اینها فقط نمونه‌هایی است از فقدان نگاه شهروندمحوری در تصمیم‌سازی‌ها و اقداماتی که به دولت مربوط می‌شوند.

■ در حوزه زنان چه ارزیابی‌ای از عملکرد معاونت زنان رئیس‌جمهور دارید؟

معاونت زنان مانند مسئولیت امور اقوام و اقلیت‌ها، قدرت اجرایی ندارند و می‌توانند نقش مشورتی و حداکثر تذکردادان داشته باشند اما حتما فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی برای انجام کارهایی دارند که در صورت فقدان این مسئولیت امکان‌پذیر نبود. اطلاع‌دارم که معاونت زنان کارگروه‌هایی تشکیل داده‌اند که به‌صورت تخصصی مطالعه کنند و ایده برنامه ارائه دهند و از نظرات افراد و نهادهای جامعه مدنی بهره‌مند شوند. یکی از برنامه‌های معاونت زنان اجرای طرح‌های پژوهشی در زمینه‌های مختلف مسائل زنان است؛ از این‌رو ارزیابی عملکرد این معاونت را باید دیرتر انجام داد زیرا برنامه‌هایی که در دست دارند نوعا برنامه‌هایی زمان‌بر است و دو تا سه سال به درازا می‌کشد تا نتیجه آن مشخص شود. اما نکته مثبت در ارزیابی

ادامه از صفحه ۹

رعایت قانون، کف مطالبات ماست

من کاملا متوجه هستم که ترکیب هیات نظارت متشکل از نهاده‌ها و قوای سه‌گانه است و وزارت ارشاد در این ترکیب فقط دارای یک رأی از مجموعه آراست، اما می‌توان انتظار داشت نماینده دولت در این هیات تلاش‌هایی در جهت تطبیق نظرات در راستای تقویت آزادی مطبوعات انجام دهد.

از سویی دیگر ما شاهد تمایلاتی در بدنه دولت هستیم که می‌خواهد عملکرد رسانه‌ها را در بد قدرت خود درآورد. نمونه این امر همان پیش‌نویس سازمان نظام رسانه‌ای کشور بود که خوشبختانه با گفت‌وتمان انتقادی‌ای که در آن زمینه صورت گرفت، تاکنون متوقف شده است. مجموعه این موارد نشانه‌های مطلوبی را به آذهان عمومی متبادر نمی‌کند.

■ نمی‌توان منکر توقیف در عرصه مطبوعات بود اما آمار نشان می‌دهد اغلب توقیف توسط مرجع دیگری انجام شده است و دولت در این زمینه راهکاری برای تصمیمات قوای دیگر ندارد.

همه مواردی که عرض کردم در حوزه اختیارات دولت است. تصمیمات قوه قضائیه به دولت ارتباطی ندارد و هیچ‌کس هم قصد نداشته است مسئولیت‌های قوای دیگر را به دولت معطوف کند. آنچه قوه قضائیه انجام می‌دهد کاملا مستقل از دولت است، اما مواردی که من اشاره کردم مربوط به حوزه اختیارات دولت اعم از وزارتخانه هاست.

■ روند حرکت مطبوعات در این دو سال - بدون درنظرگرفتن رویکرد دولت- را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حقیقت این است که صنف روزنامه‌نگار، قشری است که به اشکال مختلف تحت فشار انواع سختی‌های ناشی از شغل روزنامه‌نگاری است. میزان حقوق و دستمزد دریافتی، بیمه و مزایای شغلی روزنامه‌نگاران در ایران خوب نیست. برای بهبود اوضاع شغلی روزنامه‌نگاران، وزارت ارشاد هم باید مساعدت کند، اما مسئولیت اصلی بر عهده وزارت کار و امور اجتماعی است. من در این زمینه وزارت ارشاد را فقط از حیث حمایت اداری و معنوی مسئول می‌دانم؛ اما مسئولیت اصلی به عهده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی است. در چنین بستر و شرایطی باید عملکرد مطبوعات و روزنامه‌نگاران را بررسی کرد. با وجود نقدی که به عملکرد دولت دارم، فرایند مستقل مطبوعات را مستقل از دولت در حال توسعه می‌بینم. این توسعه هم اجتناب‌ناپذیر بوده و هم حاصل تلاش سخت و مداوم روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول در مطبوعات و خبرگزاری‌هاست. مطبوعات در مواجهه با دولت کارنامه قابل قبولی دارند. طبیعتا براساس گرایشات سیاسی برخی رسانه‌ها حامی و بعضی دیگر منتقد دولت هستند. اگر اقدامات هر دو سوی ماجرا در راستای قانون و به چارچوب آزادی مطبوعات انجام گیرد قابل دفاع و مفید است. متأسفانه در این دو سال شاهد بوده‌ایم برخی از مسئولان ارشد دولتی از نقد خود در رسانه‌های منتقد کله کرده‌اند. نشریات حق دارند در راستای وظایف اطلاع‌رسانی و خط مشی سیاسی خود از هر نهادهی انتقاد کنند. در این زمینه اگر از حد قانون تجاوز نکنند، نمی‌توان معترض آنان شد. البته نمی‌توان از این موضوع صرف نظر کرد اگرچه رسانه‌های حامی دولت از نظر کمی در اقلیت قرار دارند، از حیث کیفیت در جایگاه بسیار بالاتری هستند. در این زمینه هم متأسفانه باید گفت به دلیل فقدان استراتژی مشخص و نگاه رسانه‌ای دقیق در دولت، نمی‌توانند از آن بهره‌برداری مناسبی داشته باشند.

■ اتفاقا در همین دو سال انتقادات بسیاری به تیم رسانه‌ای دولت و نحوه عملکرد آن وارد شده است. شما این ضعف را چقدر جدی می‌دانید؟

تیم رسانه‌ای دولت بسیار ضعیف و غیرحرفه‌ای است. اگر دولت در این زمینه درست عمل می‌کرد به جای انتقاد از منتقدان رسانه‌ای خود، می‌توانست با بهره‌گیری از افراد خبره در عرصه رسانه، از عملکرد کیفی رسانه‌های حامی خود بهره کافی و وافی ببرد. دولت باید در تیم رسانه‌ای خود از افرادی استفاده می‌کرد که هم عرصه و قدرت رسانه را به خوبی درک کنند و هم بتوانند به خوبی در راستای اهداف عالیه دولت کار رسانه‌ای مفید و اثرگذار انجام دهند.

مقدورات ومحذورات دولت در همسایگی

کمان می‌کنم اشکالاتی پیدا خواهیم کرد. تاریخچه ۳۵ سال گذشته افغانستان پر از مداخله و رقابت‌های دشمنانه قدرت‌های منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای است. حل مشکلات این منطقه نیاز به همکاری گسترده تمام دولت‌های منطقه دارد. باید به ریشه مشکلات توجه کرد. اختلافات تاریخی و مرزی و ارضی بسیار مهم است. نباید تردید کرد که برای توسعه کشورمان نیازمند آرامش، امنیت، صلح و ثبات در کل منطقه هستیم. در افغانستان، در پاکستان، در کشمیر، در هند و صدالیته در کشور خودمان ایران توجه جدی به خواسته‌های مردم و احترام به حقوق آنها از طریق سازوکارهای تعریف‌شده، برنامه‌ای متفاوت با رقابت‌های دشمنانه را به ارمغان خواهد آورد. احترام به عقلانیت جمعی در سطح ملی به همراه توجه به همکاری جمعی در سطح منطقه‌ای، امر بایسته‌ای است که حاصل آن تمام منطقه را آباد خواهد کرد.

بازی با اعتماد مردم

نگاهی به همه اختلاف‌افکنی‌ها نشان می‌دهد هدف اصلی از این‌همه سؤال برانگیختن در ذهن مردم -یک روز به بهانه فکت‌شیت آمریکایی‌ها و روز دیگر به بهانه فلان ادعای یک مقام اروپایی- تنها و تنها کاستن از اعتماد مردمی است که بحق از این بحران ساختگی و دروغین خسته شده‌اند و می‌خواهند تکلیف‌شان با دنیا مشخص شود. مردم امروز ایران، به سفر می‌روند، به اصطلاح دنیا دیده‌اند، تحصیل کرده‌اند، ماهواره می‌بینند و با همین سرعت پایین اینترنت، از جهان پیرامون مطلع هستند، این مردم را نمی‌توان در حصر ارتباط با آفریقا و آمریکای لاتین که داشت، اما بدون شک، در چنین جامعه‌ای سیاست خارجه برای ارتباط و تعامل با جهان پیرامون و حل‌وفصل موضوعاتی مانند مسئله هسته‌ای، نیازمند اعتماد مردم است- آن هم در شرایطی که این گونه موضوعات عمومی شده است- آنچه تاکنون در داخل صورت گرفته به لطایف‌الحیل خواسته است این اعتماد را فروگاهد یا سلب کند. اعتمادمان را به سخنان دلواپس‌ها گره نزنیم، چه توافق جامع به دست بیاید و چه نیاید.



انتقاد می‌کردند، پیشنهاد می‌دادند و گاهی جواب می‌گرفتند. هم‌اکنون و در آستانه سال سوم دولت تدبیر و امید، حسن روحانی و گروهی از اعضای دولتش نسبتا حضور پررنگی در شبکه‌های اجتماعی دارند. حسن روحانی در توئیت‌ر با دو حساب به دو زبان فارسی و انگلیسی حضوری پیوسته دارد و اخبار و تصاویر دیدارها و سخنرانی‌های او پیش از انتشار در سایت‌های خبری به‌صورت زنده در توئیت‌ر منتشر می‌شود. جواد طریف که پیش از تصدی وزارت امور خارجه به‌عنوان یک کاربر بود که فیس‌بوک یک صفحه شخصی داشت و پس از معرفی‌شدن برای تصدی وزارت امور خارجه صفحه شخصی‌اش به یک صفحه هواداری فیس‌بوک تبدیل شد و در زمان رای اعتماد پست‌های فیس‌بوکش دو، سه‌هزار لایک می‌خورد، با وزیرشن لایک پست‌هایش به یکباره به ۱۵ هزار نزدیک شد. حالا صفحه فیس‌بوک طریف در فیس‌بوک بیش از ۹۳۰ هزار لایک دارد و برخی از پست‌هایش بیش از صد هزار لایک می‌خورد و چندین‌هزار کامنت از سوی کاربران ایرانی دارد.

ادامه در صفحه ۱۲



شوند تا یک خبرگزاری متن حرف‌های حسن روحانی را منتشر کند، بعد تیت‌ر حرف‌های روحانی را پس از کمی‌پست توئیت کند. تیم توئیت‌ر حسن روحانی حرف‌های حسن روحانی را به زبان انگلیسی سلبیس، زنده توئیت می‌کرد. با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ فعالیت روحانی در توئیت‌ر بیشتر شد و اعضای تیم سیاسی حسن روحانی نیز حضور چشمگیری در شبکه‌های اجتماعی پیدا کردند. به‌عنوان مثال طریف که برای تصدی وزارت‌خارجه برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی شده بود، از طریق فیس‌بوک به اطلاع‌رسانی در این مورد می‌پرداخت. هرچند در آن زمان با انتصاب و انتخاب اعضای دولت روحانی بازار حساب‌های جعلی به نام اعضای دولت روحانی داغ شده بود، اما شبکه‌های اجتماعی جعل هویت را برنمی‌تابید و دست حساب‌های جعلی یکی پس از دیگری رو می‌شد و این حساب‌ها نادیده گرفته می‌شدن. اما حساب‌های واقعی اعضای دولت روحانی برای مخاطب‌ها جذاب‌تر می‌شدند و مخاطب‌ها مستقیما از سویی اعضای دولت روحانی در جریان امور کشور قرار می‌گرفتند، تحسین می‌کردند،



شوند تا یک خبرگزاری متن حرف‌های حسن روحانی را منتشر کند، بعد تیت‌ر حرف‌های روحانی را پس از کمی‌پست توئیت کند. تیم توئیت‌ر حسن روحانی حرف‌های حسن روحانی را به زبان انگلیسی سلبیس، زنده توئیت می‌کرد. با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ فعالیت روحانی در توئیت‌ر بیشتر شد و اعضای تیم سیاسی حسن روحانی نیز حضور چشمگیری در شبکه‌های اجتماعی پیدا کردند. به‌عنوان مثال طریف که برای تصدی وزارت‌خارجه برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی شده بود، از طریق فیس‌بوک به اطلاع‌رسانی در این مورد می‌پرداخت. هرچند در آن زمان با انتصاب و انتخاب اعضای دولت روحانی بازار حساب‌های جعلی به نام اعضای دولت روحانی داغ شده بود، اما شبکه‌های اجتماعی جعل هویت را برنمی‌تابید و دست حساب‌های جعلی یکی پس از دیگری رو می‌شد و این حساب‌ها نادیده گرفته می‌شدن. اما حساب‌های واقعی اعضای دولت روحانی برای مخاطب‌ها جذاب‌تر می‌شدند و مخاطب‌ها مستقیما از سویی اعضای دولت روحانی در جریان امور کشور قرار می‌گرفتند، تحسین می‌کردند،